

عید فطر و نقش آن در تحولات فردی و اجتماعی

<?xml encoding="UTF-8">

روز بازگشت به فطرت در فرهنگ اسلامی اولین روز ماه شوال به عنوان عید فطر و جشن بازگشت به فطرت معین شده است، زیرا مسلمانان روزه دار در طول ماه رمضان با ارتباط‌های پی در پی با خداوند متعال واستغفار از گناهان به تصفیه روح و جان خویش همت گماشته و از تمام آلودگی‌های ظاهری و باطنی که بر خلاف فطرت آن هاست، خود را پاک نموده و به فطرت واقعی خود برمی گردند. امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز از همین زاویه به عید فطر می نگرد و با اشاره به روز عید می فرماید: «انما هو عید لمن قبل الله صیامه و شکر قیامه و کل یوم لا یعصی الله فهو عید (1)؛ این عید کسی است که خدا روزه اش را پذیرفته و نماز او را ستوده است و هر روز که خدا نافرمانی نشود، آن روز عید است.»

بلی روز ترک گناه و فاصله گرفتن از زشتی‌ها و پلیدی‌ها و روز غلبه بر شیاطین، روز عید است. عید فطر روز بازگشت به فطرت است، این معنا را می توان از لغت «عید فطر» هم فهمید، چرا که «عید» به معنای بازگشت و «فطر» به معنای «فطرت و طبیعت» است.

مسلمانان در این روز در اثر یک ماه ضیافت و مهمانی خداوند به صفای باطن دست یافته و در حقیقت، شخصیت واقعی خویش را بازیافته اند، آری، فطرت پاک انسان در طول سال در اثر غبارهای جهل و نادانی و غفلت به انواع گناهان و معصیت‌ها مبتلا شده و از حقیقت خود دور می شود و در نتیجه دچار خودفراموشی و خدا فراموشی می گردد. اما با فرا رسیدن ماه مبارک رمضان، انسان مسلمان در پرتو فضای معنوی آن ماه و تلاش های خویش به یک زندگی نوین دست می یابد، که می توان آن را «بازگشت به خویشتن» نامید.

در روز عید فطر گوئی یک مسلمان از نو متولد می شود، چرا که طبق گفتار امیرمؤمنان علیه السلام، روزه داران در شب عید فطر از تمام آلودگی‌ها و پلیدی‌ها پاک شده اند و کمترین پاداش خود را که پاکی و پاکیزگی است دریافت نموده اند. آن حضرت چنین می فرماید: «واعلموا عباد الله! ان ادنی ما للصائمین والصلائم ان ینادیهم ملک فی آخر یوم من شهر رمضان: ابشروا عباد الله! فقد غفر لکم ما سلف من ذنوبکم فانظروا کیف تکنون فیما تستأنفون (2)؛ ای بندگان خدا! بدانید که کوچکترین چیزی که برای مردان و زنان روزه دار است، این است که فرشته ای در روز آخر ماه مبارک رمضان به آن ها ندا می دهد: ای بندگان خدا! بشارتتان باد که [خداوند متعال] تمام گناهان گذشته شما را آمرزید، پس بنگرید که بعد از این چگونه عمل خواهید کرد.»

شیخ مفید می نویسد: اینکه روز اول ماه شوال عید اهل ایمان قرار داده شده است، به خاطر این است که آنان برای قبولی اعمالشان در ماه رمضان خوشحالند و از اینکه خداوند متعال گناهانشان را بخشیده و بر عیب های آنان پرده کشیده و مزده و بشارت از طرف خداوند رسیده است که ثواب های بسیاری برای روزه داران عطا خواهد کرد و از اینکه مؤمنین در اثر تلاش های شب و روز ماه مبارک رمضان چند مرحله به قرب الهی نزدیک شده اند، حالت سرور و نشاط دارند. در این روز غسل معین شده و این علامت پاکی از گناهان می باشد، عطر زدن و بوی خوش استعمال کردن و لباس زیبا و تمیز پوشیدن و به صحرا رفتن و زیر آسمان نماز خواندن همه اش علامت شادی و سرور و از روی حکمت می باشد (3).

مراتب روزه داران در عید فطر بدون تردید تک تک مسلمانان با فرا رسیدن عید سعید فطر نوعی شادی و لذت درونی در خود احساس می کنند، اما استقبال مسلمانان از روز عید فطر یکنواخت و مساوی نیست . زیرا هر کسی نسبت به معرفت و ایمان خود به این عید بزرگ و با عظمت می نگرد و از آن بهره می گیرد . زمینه ها، ذهنیت ها، مراتب ایمان و عوامل دیگری در نگرش و انگیزه افراد دخالت دارد .

به همین جهت عارف واصل میرزا جواد آقا ملکی تبریزی قدس سره (4) روزه دارانی را که به عید سعید فطر وارد می شوند، به پنج گروه تقسیم می کند و نوع نگرش آنان رانسبت به این روز با عظمت توضیح می دهد . ایشان در مورد پایین ترین مراتب استقبال کنندگان از عید فطر می نویسد : «گروهی از روزه داران حقیقت روزه را نشناخته اند و با زحمت و تکلف از خوردن و آشامیدن و سایر مبطلات خود داری می کنند و این را نوعی طاعت می شمارند و خود را منت دار خداوند می دانند . آنان از اعضاء و جوارح خود مراقبت نکرده و با دروغ و غیبت و بهتان و افترا و دشنام، به آزار دیگران پرداخته و زحمات خود را هدر می کنند و در نزد خدای عالمیان منزلتی ندارند، مگر اینکه حضورشان در روز عید برای حسن ظن به عنایت خدای بزرگ باشد و در نمازگاه خود در روز عید فطر از گناهان استغفار نموده و طلب آمرزش کنند .»

وی عالی ترین مرتبه استقبال کنندگان از عید فطر را از آن روزه داران عارفی می داند که لذت ندای خدای «جل جلاله» ، رنج گرسنگی و تشنگی و شب زنده داری را از یاد آنان برده و با شوق و شکر بلکه با وجد و سکر (5) آن را پیشواز نموده، در سرعت سیر و سلوک و پیشروی به سوی خیر، جدیت به خرج داده و از عمق جان به ندای رب الارباب لبیک گفته اند .

خداوند متعال اعمال را از این گروه به حسن قبول می پذیرد و آن ها را به مقام قرب نزدیک می نماید و در پیشگاه صدق در جوار خود با اولیاء و اصفیاء می نشاند و از «جام اوفی» به آن ها می چشانند و به مقام «او ادنی» می رساند (6) . آری، در حقیقت در سحرگاه عید فطر اولیاء الهی با حضرت حق چنین نجوا دارند :

ای عید عاشقان به حقیقت جمال تو هر لحظه عیدیی رسدم از وصال تو عید کسان غره شوال و عید من آن ساعتی بود که ببینم جمال تو

حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی در مورد ابعاد اقتصادی و اجتماعی عید فطر می توان به پرداخت زکات فطره به عنوان عاملی ارزشمند برای فقرزدایی، توسعه اقتصادی و حل مشکلات اجتماعی در جامعه اسلامی اشاره نمود . افزون بر اینکه در کنار کمک به فقراء، موارد مصرف دیگری نیز برای زکات فطره در اسلام منظور شده است که از جمله آن ها احیای روحیه همیاری و تعاون، رسیدگی به وضع بهداشتی، درمانی و فرهنگی مسلمانان می باشد . از زکات فطره می توان قرض بدهکاران حقیقی و افرادی را که در راه معصیت و خلاف بدهکار نشده اند، پرداخت نمود . در ساختن مسجد، مدرسه، پل ها و راه ها و بیمارستان ها و برطرف کردن سایر نیازهای مسلمانان نیز می توان از این بودجه مردمی استفاده کرد .

همچنین با این بودجه می توان باورهای دینی و اعتقادات مسلمانان ضعیف الایمان را تقویت نمود و کسانی را که در معرض شبهات و وسوسه های دشمنان قرار دارند یاری کرد .

مسلمانان با عمل به این موارد که با پرداخت زکات فطره انجام می شود، در حقیقت به بخشی از دعاهای ماه رمضان - که در مدت یکماه بعد از نماز زمزمه می کردند - ، در روز عید فطر جامه عمل می پوشانند . گذشته از این ها، پرداخت زکات فطره که با نیت عبادت و تقرب به خداوند متعال انجام می شود، نوعی بهره گیری از

مادیات برای رسیدن به معنویات است .

بدین جهت گفته اند که قبول روزه موکول به پرداخت زکات فطره می باشد، چرا که دادن زکات موجب جدایی از تعلقات مادی و هواهای دنیوی و نفسانی است و انسان مؤمن برای دوام فطرت الهی خویش و بازگشت به عهد فطری «الست» از هر آنچه رنگ تعلق دارد، باید رها و آزاد باشد و زنجیر مادیات را از پای خود برکند تا سبک بال به سوی خداوند گام نهد . همچنانکه امام علی علیه السلام فرمود :

«تخففوا تلحقوا (7) ؛ سبکبال باشید تا [به مقصد] برسید .»

رسیدن به وصال حق باگران باری و تعلقات بسیار سازگار نیست . خداوند متعال می فرماید : «قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلي» (8) ؛ «همانا رستگار شد کسی که [با پرداخت زکات] خود را تزکیه نمود و آنکه نام پروردگارش را یاد نموده و سپس نماز خواند .»

یکی از مصادیق این آیه، عید فطر و زکات فطره می باشد . در روایات آمده است که همواره رسول خدا صلی الله علیه و آله روزهای عید فطر قبل از رفتن به مصلي فطره را تقسیم می کرد و این آیه را می خواند (9) .

تعظیم شعائر اسلامی خداوند متعال می فرماید : «ومن يعظم شعائر الله فانها من تقوي القلوب» (10) ؛ «هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل هاست .»

تعظیم شعائر الهی یکی دیگر از ویژگی های عید سعید فطر می باشد . شعار تکبیر و تهلیل و تحمید و تقدیس از جمله اعمالی است که به روز عید جلوه خاصی می بخشد .

یک مسلمان باید از راه های مختلف ندای حیاتبخش توحید را به گوش جهانیان برساند، که یکی از آن ها بیان شعارهای مذهبی است . رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید : «زینوا اعیادکم بالتکبیر (11) ؛ عیدهای خود را با [شعار] تکبیر زینت دهید .» و در حدیث دیگری می فرماید : «زینوا العیدین بالتهلیل والتکبیر والتحمید والتقدیس (12) ؛ عیدهای فطر و قربان را با شعارهای لا اله الا الله و الله اکبر و الحمدلله و سبحان الله زینت دهید .»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود نیز چنین می کرد . آن حضرت در روز عید فطر از منزل بیرون می آمد و تا رسیدن به مصلا با صدای بلند، شعار «لا اله الا الله» و «الله اکبر» سر می داد و حتی در میان خطبه ها و قبل و بعد از آن با صدای رسا این کلمات را تکرار می نمود . حضرت رضا علیه السلام در مورد علت تکبیرهای زیاد در روز عید فطر می فرماید : «تکبیر، تعظیم و زرگداشت خداوند متعال است و نوعی تشکر از هدایت ها و نعمت های پروردگار جهانیان می باشد . (13)»

تقویت وحدت مسلمانان اجتماع روز عید فطر می تواند در پیوند و همدلی مسلمانان نقش آفرین باشد . آنان در گردهمایی روز عید فطر و قرار گرفتن در کنار هم، از نظرات، مشکلات و گرفتاری های همدیگر آگاه می شوند . در این گردهمایی بغض ها و کینه ها تبدیل به دوستی و همدلی می شود و مؤمنان در یک صف واحد احساس اتحاد و نزدیکی بیشتری به همدیگر می کنند .

عید فطر از سویی حکایت از پیوند معنوی انسان با خدای خویش دارد و از سوی دیگر حکایت گر ارتباط وی با هم کیشان خود است .

حضرت سجاد علیه السلام روز عید فطر را روز جشن و شادی و اجتماع و همیاری مسلمانان نسبت به یکدیگر می

داند و مي فرمايد : «اللهم انا نتوب اليك في يوم فطرنا الذي جعلته للمؤمنين عيداً وسروراً ولاهل ملتك مجمعا ومحتشدا (14) ؛ پروردگارا! ما به سوي تو برمي گرديم در روز عيد فطرمان كه آن را براي اهل ايمان روز عيد و شادي و براي اهل ملت خودت روز اجتماع و همياري قرار دادى .»

حضرت رضا عليه السلام در مورد نقش عيد فطر در تحولات معنوي، اقتصادي و اجتماعي جامعه مي فرمايد : «انما جعل يوم الفطر العيد، ليكون للمسلمين مجتمعا يجتمعون فيه ويبرزون لله عزوجل فيمجدونه علي ما من عليهم، فيكون يوم عيد ويوم اجتماع ويوم زكات ويوم رغبة ويوم تضرع و . . . فاحب الله عزوجل ان يكون لهم في ذلك مجمع يحمده فيه ويقدسونه (15) ؛ روز فطر، عيد مقرر شده تا مسلمانان در اين روز گرد هم آيند و براي خداوند ظهور كنند و او را به خاطر نعمت هايش تعظيم كنند . پس اين روز، روز عيد، روز اجتماع، روز فطر، روز زكات، روز رغبت و روز تضرع و . . . است . پس خداوند بزرگ دوست دارد كه مسلمانان در چنين روزي اجتماعي داشته و در آن، او را ستايش کرده و مقدس بدارند .»

عيد فطر و حركت هاي سياسي در طول تاريخ، اجتماع روز عيد فطر آنچنان مهم و تحول آفرين بوده كه رهبران سياسي نيز از آن بهره گرفته اند . در اين مورد مي توان از حركت سياسي ابومسلم خراساني و شورش وي بر عليه دستگاه خلافت بني اميه نام برد . وي به سليمان بن كثير دستور داد به اقامه نماز عيد فطر و ايراد خطبه بر عليه امويان بپردازد .

سليمان نيز انقلاب و شورش بر عليه سلطنت اموي را در خطبه نماز عيد فطر اعلام كرد . به اين ترتيب آنان در سال 129 ق در روز عيد فطر در شهرهاي ماوراء النهر به پا خاسته و قيام خود را اعلام كردند (16) و در مدت كوتاهي سلسله بني اميه را منقرض ساختند .

حركت امام رضا عليه السلام براي نماز عيد در اين ميان حركت معنوي، اجتماعي و سياسي حضرت رضا عليه السلام براي نماز عيد اهميت خاصي در تاريخ اسلام دارد . اين حماسه جاويدان نشان مي دهد كه اگر پيشوايان معصوم عليهم السلام و بزرگان دين و رهبران صالح در جوامع مسلمان فرصت مي يافتند و مي توانستند از نمازهاي عيد فطر و قربان بهره برداري كنند، چه نتايج پرباري براي مسلمانان داشت . براي آشنائي خوانندگان گرامي با عظمت اين حركت و نقش آن در تحولات معنوي و سياسي جهان اسلام و همچنين توجه به سيره اهل بيت عليهم السلام در اجراي مراسم عيد فطر و قربان خلاصه اي از آن واقعه را مي خوانيم :

بعد از جريان ولايتعهدي حضرت رضا عليه السلام، عيد فرا رسيد . مامون با اصرار زياد از آن حضرت خواست تا براي اجراي مراسم عيد حضور يابد و ضمن اقامه نماز عيد خطبه بخواند . امام رضا عليه السلام به فرستاده مامون فرمود : شروطي را كه ميان من و تو در پذيرفتن امر ولايتعهدي بود، خودت مي داني [. بنا، بر اين بود كه من از اين گونه امور معاف باشم] . مامون پيغام داد كه : من مي خواهم با اين عمل دل مردم آرامش يابد و فضيلت شما را بشناسند .

پيغام ها از سوي مامون و امتناع حضرت رضا عليه السلام پيوسته ادامه داشت تا آنكه حضرت رضا عليه السلام در اثر پافشاري خليفه فرمود : دوست دارم مرا از اين امر معاف داري و اگر معاف نمي داري، من همچنانكه پيامبر صلي الله عليه و آله و اميرالمؤمنين عليه السلام براي نماز عيد بيرون مي آمدند، خواهم آمد . مامون گفت : هر

طور که دوست داري بيرون بيا و مراسم عيد را به انجام برسان . آن گاه دستور داد سرداران و تمام مردم صبح زود در مقابل منزل مسکوني حضرت رضا عليه السلام اجتماع نمايند . با انتشار اين خبر مردم مرو مشتاقانه براي شرکت در مراسم و بهره گيري از وجود حضرت رضا عليه السلام خود را آماده کردند . هنگامي که خورشيد طلوع کرد، امام عليه السلام غسل نمود و عمامه سفيدي را که از پنبه تهيه شده بود بر سر گذاشت و یک سر آن را روي سینه و سر ديگر را میان دو شانه انداخت . دامن را به کمر زد و به همه پيروان و دوستدارانش دستور داد چنان کنند . آن گاه عصاي پيکان داري به دست گرفت و از منزل بيرون آمد . آن حضرت در حالي که پا برهنه بود و پيراهن و ساير لباس هايش را به کمر زده بود، به همراه غلامان و ياران نزديک خويش - که آنان نیز چنين کرده بودند - به همين شکل از منزل به سوي مصلا حرکت کردند .

موقع خروج از منزل، امام رضا عليه السلام سر به سوي آسمان بلند کرد و چهار تکبير گفت، اين تکبيرها آن چنان با صلابت و روحانيت خاصي ادا مي شد که گويي آسمان و در و ديوار با نوای حضرتش هم آواز هستند . سرداران و نظاميان و ساير مردم که با آمادگي و آراستگي تمام در بيرون منزل صف کشيده بودند، هنگامي که امام رضا⁷ و يارانش را به آن صورت مشاهده کردند به پيروي از امام رضا عليه السلام و هماهنگ با او فریاد تکبير سردادند . شهر مرو يکپارچه فریاد تکبير سر داد و به دنبال آن از گريه و ناله هزاران زن و مرد مشتاق اهل بيت عليه السلام به لرزه در آمد، سرداران هنگامي که حضرت را با آن حالديدند از مرکب هاي خود پياده شدند و کفش هاي خود را در آورده و کنار گذاشتند و به دنبال امام عليه السلام به راه افتادند . حضرت رضا عليه السلام پياده راه مي رفت و هر ده قدم یک بار مي ايستاد و سه تکبير مي گفت .

ياسر خادم مي گوید : در اين حال ما خيال مي کردیم که آسمان و زمين و کوه با او هم آواز گشته است، شهر مرو يکپارچه گريه و شيون بود، فضل بن سهل ذوالرياستين با مشاهده اين اوضاع به مامون گفت : اگر [امام] رضا عليه السلام با اين وضع به مصلا برسد، مردم مجذوب او خواهند شد [و ممکن است با یک اشاره طومار حکومت را در هم پيچند] به نظر من بهتر است که از او بخواهي تا برگردد .

مامون هم فوراً کسي را فرستاد و از حضرت رضا عليه السلام در خواست نمود تا از ميانه راه برگردد . امام رضا

عليه السلام هم کفش هاي خود را طلبيد و سوار مرکب شده، به منزل مراجعت کرد . (17)

اين روايت گذشته از اينکه تدبير و دوراندوشي حضرت رضا⁷ را براي شکست سياست هاي شيطاني مامون نشان مي دهد، چگونگي اجراي مراسم باشکوه عيد در سيره اهل بيت⁷ و کيفيت یک نماز واقعي عيد را بيان مي کند .

پي نوشت ها :

(1) نهج البلاغه، حکمت 428 .

(2) امالي شيخ صدوق، ص 100 .

(3) مسار الشيعة، ص 30 .

(4) ايشان که استاد اخلاق و عرفان برجسته اي در حوزه علميه قم بود، در سال 1343ق به ديار حق شتافت . در مکتب تربيتي اين عارف فرزانه بزرگان فراواني تربيت شدند که از جمله آن ها مي توان از حضرت امام خميني قدس سره، آيت الله مرعشي نجفي قدس سره، شيخ اسماعيل تائب تبريزي، آخوند ملا علي معصومي و ميرزا عبد الله شالچي تبريزي نام برد . در مورد مقام عرفاني و جذبه اين استاد کامل عرفان همين قدر کافي است بدانيم که

حضرت امام خمینی قدس سره آن گاه که پس از یکدوره طولانی تبعید، در اوج عزت و افتخار از پاریس به ایران مراجعت کرده و به شهر قم وارد شد، در اولین فرصت به مزار شیخان رفته و در کنار قبر استادش حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی حاضر شده و در کنار آن نشست، آن گاه به نشانه تواضع و حق شناسی، تحت الحنک عمامه خود را باز کرد - و با آنکه همیشه دستمال همراه داشت - با گوشه عمامه خود غبار سنگ استاد عارف را زدود و سپس به قرائت فاتحه و تلاوت قرآن پرداخت .

(5) سکر، یک اصطلاح عرفانی است و عبارت است از یک نوع کیفیت نفسانی که موجب انبساط روح است و آن بواسطه غلبه سروری است که هرگاه عشق و محبت سالک به آخرین درجه برسد، بر وی عارض می شود . او در آن حال بر قوای حیوانی و نفسانی خویش چیره می گردد و حالت بهت و سکر و حیرت پدید می آید و این حالت، عارف سالک را مبهوت و متحیر و سرگردان می کند . در شرح کلمات باباطاهر آمده است که سکر حقیقی آن است که سالک در فنا مقام گیرد . (فرهنگ علوم عقلی، ص 300).

(6) برگرفته از المراقبات، ص 334 .

(7) نهج البلاغه، خطبه 21 .

(8) اعلی/14 و 15 .

(9) تفسیر المیزان، ذیل آیه 14 سوره اعلی .

(10) حج/31 .

(11) کنز العمال، ح 24094 .

(12) همان، ح 24095 .

(13) عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 122 .

(14) صحیفه سجادیه، دعای 45 .

(15) وسائل الشیعه، ج 7، ص 481، ح 4 .

(16) تاریخ طبری، ج 6، ص 26 .

(17) اصول کافی، مولد ابی الحسن الرضا علیه السلام، حدیث 7 .